

## بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه

### (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی)

#### مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی

آناهیتا امیرشجاعی<sup>۱</sup>

محمد حسین قریشی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۲۶

#### چکیده

در این مقاله به اهمیت تحلیل گفتمان انتقادی در ترجمه پرداخته شده است تا مشخص شود که این تحلیل چگونه می‌تواند انتقال ایدئولوژیک را در فرایند ترجمه منعکس کند. با تکیه بر دلایل احتمالی که در حین انتقال زبان منجر به تحریف در ترجمه می‌گردد، این مقاله بر آن است تا رابطه ساختارهای گفتمان‌مدار و کارکردهای اجتماعی را نشان دهد. در این باب، پس از تعریف مفاهیم کلیدی، برخی مزایای تحلیل گفتمان انتقادی نسبت به رویکردهای دیگر برشمرده می‌شوند. از آنجایی که روابط قدرت و ایدئولوژی را می‌توان به‌عنوان مفاهیم مشترک در ترجمه

---

<sup>۱</sup> مربی و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بم (نویسنده مسئول): amirshojaiana@bam.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند؛ smhghoreashi@birjand.ac.ir

و گفتمان انتقادی در نظر گرفت، به اجمال به توضیح آنها پرداخته خواهد شد. پس از معرفی برخی تحلیلگران انتقادی، جهت نشان دادن انتقال ایدئولوژیکی و فرهنگی در فرایند ترجمه ادبی «پیرمرد و دریا»، از نظریه فان دیک و هاکین کمک گرفته می‌شود. در نهایت، بر اساس چارچوب یادشده، مشخص می‌شود که به دلیل اشتراک مفاهیم یادشده در گفتمان انتقادی و ترجمه، تحلیل انتقادی گفتمان به تحلیلگر و مترجم در درک مشکلات فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند و برای تفسیر، توصیف و بررسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته در متن ضروری می‌باشد. این تحلیل در فرایند ترجمه نام‌برده، نگارندگان را به این نتیجه می‌رساند که مترجم با اقتباس شیوه بومی سازی، طبیعی سازی ایدئولوژیک، و ترجمه اصطلاحی، سعی بر انتقال ایدئولوژی و گفتمان غالب داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** ایدئولوژی، انتقال فرهنگی، پیرمرد و دریا، تحلیل گفتمان انتقادی، ساختارهای اجتماعی، ترجمه، فان دیک، هاکین

## ۱. مقدمه

بررسی دقیق تاریخ ترجمه نشان می‌دهد که ترجمه به عنوان نقطه عطفی در تعامل فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تاکنون همواره مورد توجه بوده، و در راستای بیداری و روشن سازی افکار در سراسر جهان، با ظهور دیدگاه‌های مختلفی همراه بوده است. این امر بیانگر این است که نمی‌توان ترجمه را به عنوان پدیده‌ای مستقل و منفرد در نظر گرفت. درست مانند دیگر آثار نوشته شده، ترجمه نیز با مفاهیم دستکاری، ایدئولوژی و قدرت در ارتباط است و بررسی آن در حیطه چارچوبی فکری-اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد. از این رو مطالعات ترجمه دیدگاه‌های صرفاً زبان‌شناسانه را برای بررسی فرایند ترجمه ناکافی دانسته و جهت بررسی ساخت معانی و پیام ساختارهای زبان‌شناسی در چارچوب عوامل زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی به سمت وسوی راهکارهای انتقادی روی آورده است. در این میان، مبحث تحلیل گفتمان انتقادی با نگرشی خاص به زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی، و به عنوان

یک رویکرد میان‌رشته‌ای در پدیدار ساختن افکار ایدئولوژیک، بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. یارمحمدی (۱۳۸۳: ۱۴۳) می‌نویسد: «تبلور این دیدگاه به صورت کارکردهای فکری - اجتماعی از طریق مؤلفه‌های خاصی در متن به نام ساختارهای گفتمان‌مدار<sup>۱</sup> انجام می‌شود». لوک<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) بر لزوم به کارگیری تحلیل انتقادی گفتمان، جهت توصیف، تفسیر، و بررسی کارکردهای اجتماعی - انتقادی بازنمود شده در متن تأکید می‌کند.

ضرورت تحلیل گفتمان انتقادی نسبت به سایر رویکردها، به ویژه هنگامی آشکار می‌شود که بتوان به اهمیت و نقش این تحلیل در راستای تغییر نگرش مترجم و تحلیلگر در فرایند ترجمه و تحلیل، درک بهتر روابط میان زبان، متن و جامعه، و نیز دادن دید عمیق‌تر نسبت به کارکرد و جوهره زبان پی برد. همچنین این تحلیل، در توصیف و تبیین بافت کلام و اندامواره بلاغی متن حائز اهمیت می‌باشد.

هدف این مقاله نشان دادن عملکرد این تحلیل در انتقال ایدئولوژی‌های نهفته در متن بوده، لذا این مقاله می‌کوشد بر پایه رویکرد نام‌برده، ارتباط ساختارهای بلاغی و سطح ارتباطی متن را با فرامتن (جامعه و فرهنگ) نشان دهد تا تحلیلگر را در درک مسائل اجتماعی متأثر شده از ایدئولوژی و روابط قدرت در طی فرایند ترجمه (به ویژه ترجمه ادبی مذکور) یاری رسانده و به بررسی این امر بپردازد که چه عواملی در چینش واژگانی و ساختاری مترجم مؤثر می‌باشند.

از این رو بر اساس تحقیقات علمی صورت گرفته و چارچوب نظری تعیین شده، مقاله حاضر درصدد است نقش گفتمان انتقادی را در بازنمایی نشانه‌های فرهنگی و انتقال ایدئولوژیک در ترجمه مشخص کرده و مزایای تحلیل انتقادی گفتمان نسبت به دو رویکرد قبلی (ساخت‌گرا و کارکردگرا) را برشمارد.

<sup>۱</sup> discursive structures

<sup>۲</sup> Luke

## ۲. پیشینه موضوع

نظریه گفتمان انتقادی شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی - انتقادی است که ریشه در مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. این نظریه که پس از مدتی به‌عنوان تحلیل انتقادی گفتمان گسترش یافت، تاریخچه پیچیده‌ای دارد و برگرفته از انواع مختلفی از فعالیت‌های گفتمانی و استدلالی است. زبان‌شناسی انتقادی مبنای کارش را بر پایه رویکرد گروهی در دانشگاه آنجلیای شرقی قرار داد (فاولر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱؛ فاولر، کرس<sup>۲</sup>، هاج<sup>۳</sup> و ترو<sup>۴</sup>، ۱۹۷۹). تأثیر نظریات زبان‌شناس معروف، مایکل هالیدی<sup>۵</sup>، و دستور زبان «نقش‌گرا - نظام‌مند»<sup>۶</sup> وی در رویکرد این گروه کاملاً مشهود بود. با این وجود، آنها روش‌های سبک‌شناختی ادبی اقتباس شده از دستور گشتاری چامسکی را نیز به کار برده و در این میان، به‌ویژه فاولر از کار بارتس<sup>۷</sup> و نشانه‌شناسان اولیه فرانسوی تأثیر پذیرفت. نظریه‌پردازان انتقادی رویکرد خود را از زبان‌شناسی اجتماعی و نیز از الگوهای اصلی زبان‌شناسی متمایز ساختند، که این امر به تقابل شکل - محتوا، سیستم - فرایند (کاربرد) انجامید. تأکید آنها به‌ویژه بر تجزیه و تحلیل متون و روابطشان با بافت بود. لازم به ذکر است که مکتب زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی پراگ<sup>۸</sup>، رویکرد انسان‌شناسی ساختارگرا - کارکردگرای بریتانیا، کار جامعه‌شناس آموزشی، برنشتاین<sup>۹</sup>، و نیز کار اولیه زبان‌شناسانی مانند ساپیر<sup>۱۰</sup> (۱۹۲۱) و ورف<sup>۱۱</sup> (۱۹۵۶) تأثیر بسزایی در این نظریه داشته است (هالیدی، ۱۹۷۸). این تحلیل بینامتنی و استدلالی هنوز به قوت خود باقی است (البته اندکی پس از کارهای صورت گرفته راجع به گفتمان توسط مکاتب زبان‌شناسی ذکر شده) (تردگلد، ۲۰۰۳: ۱۰).

---

<sup>1</sup> Fowler

<sup>2</sup> Kress

<sup>3</sup> Hodge

<sup>4</sup> Trew

<sup>5</sup> Michael Holiday

<sup>6</sup> systemic functional grammar

<sup>7</sup> Barthes

<sup>8</sup> Prague

<sup>9</sup> Bernstein

<sup>10</sup> Sapir

<sup>11</sup> Whorf

نورمن فرکلاف<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) در واقع اولین شخصی بود که هنگام پیشنهاد یک نظریه گفتمانی و بررسی تغییرات اجتماعی، این رویکرد انتقادی را به کار گرفت. وی پایه و اساس کار خود را بر مبنای کارهای فوکو<sup>۲</sup> و تعدادی از نظریه پردازان نو مارکسیست و یا دیگر نظریه پردازان اجتماعی قرار داد (ترد گلد، ۲۰۰۳: ۱۲). وی که سهم بسزایی در به کارگیری این رویکرد به عنوان یک شیوه تحلیل داشته است، مدعی است که متن، معنی را از طریق ویژگی های زبانی منتقل نمی کند بلکه معنی از طریق ساختارهای گفتمان مدار تولید و درک می شود و این معنا بیانگر ایدئولوژی خاص و یا روش های کنترل و دستکاری روابط قدرت می باشد (فرکلاف، ۱۹۹۱). تحلیل های بینامتنی وی اولین رویکردهای انتقادی در راستای توصیف زبانی پسا ساختار گرایانه گفتمان بود.

فرکلاف (۲۰۰۰) سه اصل اساسی را در گفتمان انتقادی معرفی می کند. به اعتقاد وی، گفتمان ها توسط: الف) ساختارهای اجتماعی ب) فرهنگ، ج) کلمات و زبان روزمره، شکل گرفته و ساخته می شوند. او همچنین خاطر نشان می سازد که تحلیل انتقادی، رابطه بین سه سطح از تجزیه و تحلیل را تعیین می کند: الف) متنی ب) شیوه های استدلالی (گفتمان مدار)، ج) بافت های اجتماعی کلان (مک گرگور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۲).

هاکین<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) بر این باور است که باید متن را در وهله اول به شیوه ای غیر انتقادی، مانند خواننده ای عادی، و پس از آن به شیوه ای انتقادی مورد بررسی قرار داد. او به رویکردهای انتقادی خاصی مانند: ژانر<sup>۵</sup>، فریم (قالب متن)<sup>۶</sup>، برجسته سازی<sup>۷</sup>، حذف، و پیش فرض<sup>۸</sup> تأکید می کند. با این شیوه، وی تحلیل انتقادی را از دیگر شیوه های تجزیه و تحلیل متن متمایز می سازد (مک گرگور، ۲۰۰۳: ۳).

<sup>1</sup> Norman Fairclough

<sup>2</sup> Foucault

<sup>3</sup> McGregor

<sup>4</sup> Huckin

<sup>5</sup> genre

<sup>6</sup> framing

<sup>7</sup> foregrounding

<sup>8</sup> presupposition

فان دیک<sup>۱</sup> یکی از شناخته‌شده‌ترین و بانفوذترین تحلیلگران گفتمان انتقادی است که تأکیدش بر عدم وجود روش‌شناسی واحد است. او اذعان می‌دارد که تحلیل انتقادی گفتمان دارای یک چارچوب نظری و یا یک روش‌شناسی منحصر به فرد نمی‌باشد، و به همین دلیل است که می‌توان به آن به عنوان یک رویکرد بینارشته‌ای نگریست که به جای تأکید بر یک مکتب خاص، طیف وسیعی از روش‌ها را در بر می‌گیرد (مک گرگور، ۲۰۰۳: ۳). به هر حال، تأکید وی بر ضرورت ایجاد رویکردی گسترده، متنوع، چندرشته‌ای، و مشکل‌گشا می‌باشد (تردگلد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۳)؛ از این رو، در نظریه خود (۱۹۸۸) طیف وسیعی از راهکارهای انتقادی را معرفی کرده و خاطر نشان می‌سازد که: «تحلیل انتقادی گفتمان نوعی پژوهش تحلیلی است که عمدتاً به بررسی راهکارهای اجتماعی سوءاستفاده از قدرت، سلطه و نابرابری موجود در متن و مباحث اجتماعی و سیاسی می‌پردازد». روش تحلیلی وی دو سطح از تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهد: الف) ساختارهای خرد<sup>۳</sup>، ب) ساختارهای کلان<sup>۴</sup>. مورد اول، تجزیه و تحلیل متن از نظر نحو و واژگان است، و مورد دوم تجزیه و تحلیل اندامواره<sup>۴</sup> بلاغی متن است. از آنجایی که تأکید این مقاله بر ساختارهای خرد در نظریه فان دیک می‌باشد (با تکیه بر مفاهیم کلیدی هاکین)، این مورد در بخش روش‌شناسی به همراه برخی از نمونه‌های متن اصلی و متن ترجمه رمان پیر مرد و دریا، به اجمال توضیح داده خواهد شد.

در مورد تحقیقات مرتبط با مقاله حاضر، می‌توان به مقاله فرحزاد (۲۰۰۹)، به دلیل تأکیدش بر سطوح خرد و کلان اشاره کرد. همچنین مقاله فرحزاد و مدنی (۱۳۸۸)، در مورد قدرت و ایدئولوژی در ترجمه می‌تواند مورد مناسبی جهت ارجاع باشد. آنها با تأکید بر ترجمه ادبی و به کارگیری رویکردی انتقادی به بررسی اثرات بالقوه و احتمالی ایدئولوژی‌های مختلف موجود در دو وضعیت اجتماعی و تاریخی و بازتاب آن در ترجمه رمان آمریکایی بریاد رفته پرداختند.

<sup>1</sup> Van Dijk

<sup>2</sup> Threadgold

<sup>3</sup> micro-structures

<sup>4</sup> macro-structures

فان دیک نیز در تجزیه و تحلیل ساختارهای خرد، بر چینش واژگانی و ساختارهای نحوی و یا استعاره‌های دستوری غالب تأکید دارد. هاکین بر برخی از مفاهیم و راهکارها اشاره دارد که یکی از آنها استراتژی انتقادی است. تأکید این مقاله بر سطوح خرد در نظریه فان دیک (سطح واژه‌سازی و انتخاب‌های نحوی و استعاره‌های دستوری) با تکیه بر مفاهیم هاکین در سطوح کلان (ژانر، سیاق و فریم)، جهت تعیین مفاهیم ایدئولوژیک در ترجمه می‌باشد (این سطوح و مفاهیم در بخش روش‌شناسی و تحلیل به‌اجمال توضیح داده شده است).

### ۳. مفاهیم و مباحث نظری

به‌دلیل اهمیت مفاهیمی همچون فرهنگ، ایدئولوژی، ترجمه، گفتمان، و ارتباط آنها با تحلیل گفتمان انتقادی، این مفاهیم باید به‌وضوح تعریف، و روابط آنها به‌درستی تعیین شوند.

واژه فرهنگ دارای چندین مفهوم مرتبط است: مفهوم سنتی و مفهوم انسان‌شناختی. تأکید این مقاله بر مفهوم پویای آن یعنی تعبیر دوم می‌باشد. از فرهنگ همچنین به‌مثابه پروژه‌ای انسانی یاد شده که پدیده‌ای طبیعی به‌نام زبان را در اختیار بشر گذارده است (می<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). می‌توان به فرهنگ به‌عنوان اطلاعات منتقل‌شده توسط زبان‌نگریست (کوک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۰۵). واژه فرهنگ یکی از دست‌نیافتنی‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم در نظریات اجتماعی است که اغلب به‌صورت مبهم، و حتی متناقض به‌کار رفته است (زوتزمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۶۵). شریعتی (۱۳۵۶) بر این باور است که گاهی فرهنگ و تمدن در یک مفهوم به‌کار می‌روند اما باید توجه داشت که فرهنگ منوط به کارکردهای اخلاقی و معنوی است، حال آن‌که تمدن، مرتبط با مفاهیم مادی است.

ایدئولوژی مرتبط با مباحث فرهنگی در حوزه‌ای خاص است. لفور<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۲ مفاهیم کلیدی در ایدئولوژی را به‌خصوص در ارتباط با ترجمه ارائه می‌دهد و تأکید

<sup>1</sup> Mey

<sup>2</sup> Cook

<sup>3</sup> Zotzmann

<sup>4</sup> Lefever

می‌کند که مترجمان همواره تحت تأثیر ساختارها، هنجارها، و باورها قرار دارند (ماندی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۱۳۰). فان‌دیک به ایدئولوژی به‌عنوان «نگرشی جهانی» می‌نگرد که دربرگیرنده شناخت اجتماعی است؛ یعنی «بازنمودها و نگرش‌های مرتبط با برخی جوانب جهان اجتماعی» (فان‌دیک، ۱۹۹۳: ۲۵۸). شریعتی ایدئولوژی را متشکل از دو بخش می‌داند: «ایده‌ها» به‌عنوان ابزار شناخت، و پسوند «-لوژی» در مفهوم درک منطقی. بنابراین وی ایدئولوژی را باور و یا ایده یک گروه یا ملت، نژاد یا طبقه اجتماعی می‌داند. از دیدگاه یارمحمدی (۱۳۸۳)، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مندی که در یک جامعه ساری و جاری است، اطلاق می‌شود.

فرکلاف یک دید مارکسیستی از ایدئولوژی داشته و با دیدگاهی خاص از آنها به‌عنوان تعابیر رفتاری یاد می‌کند:

ایدئولوژی‌ها بازنمودهایی از جهان هستند که منجر به ایجاد و حفظ روابط قدرت، سلطه و استثمار می‌شوند. ممکن است آنها در طی فرایند تعامل، قانون‌مدار و یا هویت‌مدار شوند. تجزیه و تحلیل متن، یکی از جنبه‌های مهم تجزیه و تحلیل ایدئولوژیک و نقد است (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۲۱۸، به نقل از وداک<sup>۲</sup> و مایر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۳۵۹).

به گفته حتمیم<sup>۴</sup> و میسون<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)، ترجمه «فرایندی ارتباطی» است که حداقل با دو زبان مختلف، و شبکه گسترده‌ای از عوامل از جمله تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی، و ایدئولوژیک همراه است. نایدان<sup>۶</sup> نیز معتقد است که فرایند ترجمه امری فراتر از شباهت‌ها و تضادهای زبانی می‌باشد (شفنر، ۱۹۹۵: ۱).

اغلب نظریه‌پردازان به متن و گفتمان در یک مفهوم می‌نگرند. برخی گفتمان را کلام و گفتار، و متن را نوشتار در نظر می‌گیرند. در هر دو مورد، بافت به‌عنوان تابعی جداگانه

<sup>1</sup> Munday

<sup>2</sup> Wodac

<sup>3</sup> Meyer

<sup>4</sup> Hatim

<sup>5</sup> Mason

<sup>6</sup> Nida



مدنظر است. فرکلاف از گفتمان به عنوان «زبان به عنوان عملکردی اجتماعی» یاد می کند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

قبل از تعریف این مفهوم، لازم به ذکر است که تحلیل گفتمان ساختارگرا با ظهور کارکردگرایی در ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و معرفی مفهوم «بافت»<sup>۱</sup> و تأکید بر تجزیه و تحلیل کاربردی زبان، به چالش کشیده شد. صرف نظر از زیرشاخه‌های پیچیده، نواقص مرتبط با تئوری‌های یادشده راه را برای معرفی مفاهیم قدرت و ایدئولوژی در نظریه‌های گفتمانی به مثابه زبان‌شناسی انتقادی یا تحلیل گفتمان انتقادی مساعد کرد. این شیوه اجرایی اساساً در مورد زبان و بازنمایی آن، و نیز صورت پسا ساختارگرایانه «تحلیل گفتمان» می باشد (تردگلد، ۲۰۰۳: ۱۰).

تحلیل گفتمان انتقادی شاخه اصلی تجزیه و تحلیل گفتمان است که می تواند هم به عنوان یک نظریه، و هم به عنوان یک روش علمی در تحقیقات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و نیز به عنوان یکی از مطالعات میان رشته‌ای حائز اهمیت است. این تحلیل، رویکردهای ایدئولوژیک فرهنگی و زبانی ترجمه را همسان در نظر می گیرد (خواجه و خان محمد، ۲۰۰۹: ۲۶).

تحلیل انتقادی گفتمان به زبان به عنوان یک «عمل اجتماعی» می نگرد و «بافت کاربردی زبان» برایش بسیار مهم می باشد (فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷). این تحلیل به منظور انجام فعالیت اولیه خود یعنی یافتن ارتباط دیالکتیکی میان متن و فرایند، نقطه نظر کاملاً متفاوتی را ارائه می دهد (که آن را از دو مکتب فوق‌الذکر، کاملاً متمایز می سازد)، و به بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناختی از قبیل قدرت، ایدئولوژی، طبقات، و جنس، به عنوان عناصر عمدتاً مؤثر برای تفسیر یا تولید متن تأکید زیادی دارد. به عبارت دیگر، توجه خود را نه تنها به بافت و موقعیت کلام، بلکه به رابطه آن با سایر انگیزه‌های اجتماعی و ساختارها معطوف می سازد. در این رابطه می توان گفت که این تحلیل به ویژه با گرفتن موضع دموکراتیک و اخلاقی در مسائل اجتماعی، کاملاً خود را منحصر به «بافت کلامی» کرده است (همان‌جا). از آنجا که تأکید این مقاله بر رویکرد گفتمان انتقادی است، برخی از اصول و مزایای آن به اختصار در ذیل توضیح داده خواهد شد.

<sup>1</sup> texture

### ۱.۳. تئوری‌ها و اصول تحلیل گفتمان انتقادی (کارکردها و مزایای آن نسبت به سایر نظریه‌های گفتمانی)

فان‌دیک (۱۹۹۳: ۲۵۲) بر این باور است که سئوالات راجع به اهداف و اصول تحلیل انتقادی گفتمان را باید به‌طور دقیق و جزئی و با توجه به جایگاه تحلیل گفتمان در جامعه علمی معاصر پاسخ داد. تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه و تجزیه و تحلیل متون نوشتاری و نیز گفتاری می‌پردازد تا منابع استدلالی قدرت، سلطه، نابرابری، و تعصب را نشان دهد و بیان کند که این افکار چگونه آغاز، ایجاد، و یا حفظ می‌شوند، یا این که چطور در یک بافت تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تغییر ماهیت می‌دهند (مک‌گرگور، ۲۰۰۳: ۲). این تحلیل عمدتاً با گفتمان سوءاستفاده از قدرت، بی‌عدالتی و نابرابری حاصل از آن سروکار دارد و تلاش می‌کند به شرح راهکارهای مورد استفاده توسط نیروهای غالب جامعه در توجیه برخی واقعیت‌های پردازد (همان‌جا). برخی از رویکردهای یک چنین تحلیلی به شرح زیر بیان شده است:

- تأکید بر مشکلات اجتماعی مانند سلطه و نابرابری، به معنی نادیده گرفتن مسائل نظری نیست بلکه نشان می‌دهد که بر خلاف دیگر روش‌ها و یا رویکردها در تحلیل‌های گفتمانی، این تحلیل هدفش صرفاً کمک به مکتب، الگو و یا نظریه خاصی نمی‌باشد. به همین دلیل است که اساساً به مسائل اجتماعی علاقه‌مند بوده و توجه خود را به آن معطوف می‌سازد (فان‌دیک، ۱۹۹۹: ۲۵۲).
- بر خلاف دیگر تحلیلگران گفتمان، تحلیلگران انتقادی گفتمان موضعشان سیاسی-اجتماعی است، یعنی آنها نقطه‌نظر، چشم‌انداز، اصول و اهدافشان را هم در حیطه رشته خود و هم در جامعه، صریحاً بیان می‌کنند. به عبارت دیگر، این تحلیل هنجارمدار است، یعنی در آن اصول کاربردی، پیش‌فرض هر نقدی است (فان‌دیک، ۱۹۹۹: ۲۵۳).
- فان‌دیک معتقد است که این تحلیل انتقادی مستلزم دانشی چندرشته‌ای، و نیز شرحی از روابط پیچیده بین متن، گفتگو، شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه و فرهنگ است.

- در نهایت، می‌توان گفت که ماهیت مشکلاتی که گفتمان انتقادی به آن می‌پردازد، کاملاً متفاوت با مشکلات رویکردها و روش‌هایی است که راهکارهای خود را صراحتاً بیان نکردند (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۱۹).

یک چنین اهداف، اصول و ضوابطی در یک کار علمی مانند ترجمه راه‌گشا است. از آنجا که مفاهیم قدرت و ایدئولوژی دو مفهوم مهم در گفتمان انتقادی بوده و در فعالیت‌های اجتماعی دخیل هستند، و هدف این تحلیل گسترش یک نظریه زبانی در راستای این فرضیه مهم است (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۱۰)، مفاهیم قدرت و ایدئولوژی و رابطه آنها با ترجمه باید به وضوح مشخص شود.

### ۳. ۱. ۱. قدرت و ایدئولوژی در گفتمان انتقادی در مقایسه با ایدئولوژی در ترجمه

یکی از موضوعات عمده تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعه قدرت موجود در گفتمان و روابط قدرت است. این امر را می‌توان این گونه تعبیر کرد که ایدئولوژی و قدرت دو مفهوم نسبی مستقل هستند که با زبان مرتبط می‌باشند (فان‌دیک، ۱۹۸۸).

اکثر تحلیل‌های انتقادی راجع به شیوه‌های گسترش ساختارهای خاص گفتمان در بازتولید برتری اجتماعی می‌باشند بنابراین واژگان معمول بسیاری از محققان در این تحلیل علاوه بر مفاهیم تحلیلی آشنا در دیگر گفتمان‌ها، مفاهیمی همچون «قدرت»، «سلطه»، «ایدئولوژی»، «سلطه‌طلبی»، «جنسیت» و «ساختار اجتماعی» را دربرمی‌گیرد (فان‌دیک، ۱۹۹۳: ۳۵۴). پس این تحلیل روشی است که می‌توان از آن جهت آگاهی از معانی ایدئولوژیک پنهان در کلمات نوشتاری و گفتاری بهره گرفت (مک‌گرگور، ۲۰۰۳: ۵). فان‌دیک (۱۹۹۹) یک مثلث مفهومی از جامعه، گفتمان، و شناخت اجتماعی ارائه می‌دهد که در آن ایدئولوژی تشکیل شده توسط تحلیل گفتمان انتقادی، نقش برجسته‌ای را در ایجاد شناخت اجتماعی ایفا می‌کند.

اما در مورد ترجمه، مفاهیمی چون «ایدئولوژی»، «قدرت»، «سلطه»، «طبقه»، و «جنسیت»، در درک معنا و در تفسیر این فرایند دخیل می‌باشند. از دیدگاه مطالعات ترجمه و با ظهور دو مکتب عمدهٔ پسا ساختارگرایی و کارکردگرایی، هر ترجمه‌ای صرفاً از رو ساخت زبانی متن مبدأ حاصل نشده بلکه هنجارها و آداب و رسوم زبان مقصد نیز در این فرایند سهیم می‌باشند (کروبی، ۲۰۰۵، به نقل از خواجه و خان محمد، ۲۰۰۹: ۲۹).

لِفور<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۲، مفاهیمی کلیدی از ایدئولوژی در ترجمه ارائه داد و خاطر نشان کرد که شبکه‌ای از هنجارها، ساختارها و باورها، عملکرد مترجمان را می‌سازند. او بر این نکته تأکید کرد که «در هر سطح از فرایند ترجمه، ملاحظات زبانی و ماهیت ایدئولوژیک و هستی‌شناختی با یکدیگر در تعارض هستند (ماندی، ۲۰۰۱: ۱۳۰).

حتیم و میسون (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کنند که ترجمه نه تنها فعالیتی طبیعی نیست بلکه هم در چارچوب عمل و هم محصول ترجمه، یک امر غیرقابل انکار سیاسی است. نیرانجانا<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) تأکید می‌کند که مترجم باید همواره به یاد داشته باشد که آگاهی از فاصلهٔ بین فرهنگ مبدأ و مقصد و بررسی عدم وجود تشابه و تعیین محوریت‌های تاریخی در بسیاری از آثار پدید آمده، یا وجود نداشته و یا از میان رفته است (به نقل از حتیم و میسون، ۲۰۰۴: ۲۱۰).

ونوتی<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) نیز از «بومی‌سازی»<sup>۴</sup> و «بیگانه‌سازی»<sup>۵</sup> به عنوان دو اصطلاح نسبی دارای موضع ایدئولوژیک، یاد می‌کند چرا که «بومی‌سازی»، متن را برای خواننده فرهنگ مقصد قابل تشخیص و آشنا می‌کند، و یا از طریق «بیگانه‌سازی»، تحت ایدئولوژی و فشار متن مبدأ، مترجم کدهای فرهنگی حاکم در متن مقصد را تحریف و دستکاری می‌کند تا خوانندهٔ مورد نظر را به جهان ناشناخته و ناآشنای نویسنده ببرد (به نقل از خواجه و خان محمد، ۲۰۰۹).

<sup>1</sup> Lefever

<sup>2</sup> Niranjana

<sup>3</sup> Venuti

<sup>4</sup> domestication

<sup>5</sup> foreignization

بنابراین، درست مانند گفتمان انتقادی، مفهوم قدرت و ایدئولوژی در ترجمه نیز وجود دارد که تحریف‌های موجود در ترجمه را هنگام انتقال زبان از متن مبدأ به متن مقصد توجیه می‌کند.

#### ۴. روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

جهت بررسی رویکرد ذکر شده، متن مبدأ<sup>۱</sup>، یعنی رمان انگلیسی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی، و متن مقصد<sup>۲</sup>، یا به عبارتی ترجمه نجف دریابندری از این اثر، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. جهت تحلیل داده‌ها بر پایه چارچوب یادشده، تحلیل مقایسه‌ای و دقیقی بین متن مبدأ و مقصد در سطح ساختارهای خرد صورت گرفته است. این ساختارها مفاهیم عمومی «برجسته‌سازی» و «پنهان‌سازی»<sup>۳</sup> را دربرمی‌گیرند که موارد زیر را شامل می‌شوند.

#### ۴.۱. واژه‌سازی<sup>۴</sup>

به طرق مختلفی می‌توان از اقلام واژگانی برای اشاره به موارد یکسان استفاده کرد. این امر منجر به بیان نگرش، دیدگاه و ارزیابی شخصی می‌شود. واژه‌سازی به کاربرد کلمات مغرضانه، مفاهیم خاص و یا ایدئولوژیک می‌پردازد. انتخاب‌های واژگانی صورت گرفته توسط مترجم به سه دسته تقسیم می‌شوند:

**الف: تنوع واژگانی<sup>۵</sup>:** منظور از تنوع واژگانی این است که تا چه حد تنوع و فراوانی سطح واژگان در زبان مبدأ و زبان مقصد کاملاً یکسان بوده است (رایس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰: ۶۵). پس از تجزیه و تحلیل متن مقصد، مشاهده شده است که نه تنها کلمات فرهنگی متن مبدأ در متن ترجمه کمتر تکرار شده‌اند بلکه مترجم از سوی دیگر اقدام به ابداع مجموعه‌ای از

<sup>1</sup> source text/prototext

<sup>2</sup> target text/metatext

<sup>3</sup> backgrounding

<sup>4</sup> lexicalization

<sup>5</sup> lexical variation

<sup>6</sup> Reiss

واژگان فرهنگی کرده است. این نوع کاربرد واژگان ایدئولوژیک و فرهنگی در متن مقصد، نوعی سیستم پنهان‌سازی (در مورد کدهای فرهنگی متن مبدأ) را به تصویر می‌کشد به طوری که خوانندگان با ارائه گفتمانی خاص به طور عمد با نقطه‌نظری متفاوت با آنچه مد نظر متن مبدأ بوده، مواجه می‌شوند.

**ب: واژه‌سازی افراطی<sup>۱</sup>:** این مفهوم به کلمات فرهنگی و ایدئولوژیک معنادار شده توسط مترجم در متن مقصد اشاره دارد. همان‌گونه که در قسمت قبل اشاره شد، مترجم در ترجمه، برخی از واژه‌های فرهنگی و بومی را به کار برده است (کلماتی مانند: بمبک، هشینه، فنه، بنتوک). این واژه‌ها بومی شده‌اند و همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، روش «بومی‌سازی» با موضع ایدئولوژیک، یعنی آشناسازی متن برای خواننده فرهنگ مقصد همراه است؛ علاوه بر این، گاهی اوقات چینی واژگانی مترجم منجر به ایجاد حسی متفاوت شده و تأثیری ایدئولوژیک در رویکرد خواننده گذاشته است. نمونه‌هایی از هر دو نوع رویکرد، در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۲، ۷۱، ۷۶، ۸۰، ۹۷، ۸۳، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۲۷).

**جدول ۱:** کلمات ترجمه‌شده دارای بار معنایی (مثبت یا منفی)

| متن مبدأ         | متن مقصد         |
|------------------|------------------|
| difficult        | بدمستی           |
| boy              | بچه              |
| ...they were sad | دلشان برایش سوخت |
| old man          | بابا             |
| my son           | پسر جان          |
| Christ           | خدایا            |
| yellow blanket   | لحاف سبز         |
| I will say       | نذر می‌کنم       |
| Virgin de Cobre  | باکره کبری       |

<sup>1</sup> over-lexicalization

**جدول ۲: کلمات بومی سازی شده (محلی)**

| متن مقصد  | متن مبدأ |
|-----------|----------|
| بمبک      | shark    |
| هشینه     | sardine  |
| فنه       | bow      |
| بنتوک     | gaff     |
| جهاز بادی | square   |
| پیسو      | dolphin  |
| شالو      | bird     |
| گلگلوک    | gill     |
| چلی       | warbler  |

مثلاً در ترجمه، حس شخصیتی پسرک و رابطه او با پیرمرد تا حدودی نزدیک به متن اصلی تعبیر شده است؛ یعنی علاوه بر ارزش تجربی و رابطه‌ای، ارزش بیانی یعنی نگرش مثبت پسرک به پیرمرد حفظ شده است.

**ج: کاربرد نابرابر معادل‌های واژگانی و معنایی:** کاترین رایس<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) معتقد است که دقت تحت‌اللفظی در ترجمه نمی‌تواند معیاری عینی باشد. برای تعیین تعادل معنایی، بافت زبانی را باید مورد بررسی قرار داد. این بافت زبانی شامل ساختارهای خرد و کلان می‌شود، که اولی دربرگیرنده واژگان و ساختار در بافت زبانی، و دومی علاوه بر پاراگراف، دربرگیرنده کل متن می‌باشد. هر دو جهت تعیین معادل مطلوب در سطح زبانی لازم و ضروری می‌باشند (رایس: ۶۰).

در تجزیه و تحلیل متن مبدأ، مشاهده شده که برخی از واژه‌ها با ارزش‌های ضمنی منفی (به‌عنوان مثال، کلمه *trick*)، با همان درجه از کیفیت به متن ترجمه منتقل نشده‌اند، با وجود این که آن واژه در متن اصلی با همان معنای ضمنی منفی مد نظر بوده است. باید توجه داشت که در فرایند ترجمه، متن مقصد باید به‌اندازه متن مبدأ مورد ارزش‌گذاری

<sup>۱</sup> Katharina Reiss

مثبت و منفی قرار گیرد. نمونه‌هایی از این باب (عدم هماهنگی در ارزش گذاری) در جدول ۳ نشان داده شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۴، ۸۷، ۱۱۹):

**جدول ۳: کلمات ترجمه شده با کاربرد معنایی نابرابر**

| متن مقصد         | متن مبدأ              |
|------------------|-----------------------|
| راه              | trick                 |
| یک تکه‌اش        | some of it            |
| زیر او           | around him            |
| با تلاش و تقلا   | in desperation        |
| عروس دریایی      | man of war            |
| چشم راستش        | his left eye          |
| بریدگی بالای چشم | the cut under his eye |

#### ۴. ۲. انتخاب‌های نحوی و استعاره‌های دستوری غالب

از آنجایی که ساختارهای نحوی و دستوری که توسط مترجم به کار رفته، درست مانند چینش واژگانی وی در پی بردن به ساختارهای گفتمان‌مدار و ایدئولوژی پنهان مترجم حائز اهمیت است، در این بخش به تفصیل بدان می‌پردازیم:

**الف: معلوم‌سازی<sup>۱</sup> / مجهول‌سازی<sup>۲</sup>:** در مقایسهٔ وجوه معلوم و مجهول در متن مبدأ و مقصد، نتایج قابل توجهی به لحاظ ایدئولوژیک به دست آمده است. فرحزاد (۲۰۰۹) بر این باور است که وجه معلوم هنگامی به کار می‌رود که «عمل» برجسته است، و نه «عامل». به عقیدهٔ فرکلانف (۱۹۹۵: ۱۳۰)، جملات مجهول، عاملیت و علت را مشخص نمی‌کنند. مترجم در متن ذکر شده، جهت ابهام‌زدایی، روند مجهول ← معلوم را به کار گرفته است. به برخی از نمونه‌ها در اینجا اشاره شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۱، ۷۲):

1. Where they were hoisted on a block and tackle,...

...تا روی تخته و قلاب بیندازند،...

<sup>1</sup> activation

<sup>2</sup> passivization



2. As they climbed the bank from where the skiff was hauled up,

چون از ساحلی که قایق را آنجا به خشکی رانده بودند، بالا رفتند،

3. The small line was taken by a dolphin.

ریسمان کوچک پیرمرد را یک پیسو گاز گرفت.

4. Now every-thing is cleared away.

هم اکنون هر چیزی را هم از سر راهم برداشته‌ام.

همان‌طور که نشان داده شده، بیشتر جملات مجهول به معلوم تبدیل شده‌اند، که همان گونه که فرحزاد بیان داشته است، هنگام معلوم‌سازی وجوه مجهول در متن ترجمه، عاملین عمل برجسته می‌شوند. هر دو تغییر، (معلوم → مجهول) اگرچه اختیاری هستند، دارای بار ایدئولوژیک می‌باشند.

باید توجه داشت که استفاده از ساختارهای مجهول مانند موارد ذکر شده در متن مبدأ، به دلیل پنهان‌سازی اطلاعات، بر خلاف اصل کمیت‌گرایی است. بر خلاف ساختار مجهول که عامل را پنهان می‌کند، در ساخت معلوم، عامل در جایگاه نهاد قرار گرفته و برجسته می‌شود (ویدوسون، ۱۹۹۵: ۷۳). با این کار، مترجم نگرش خاص خود را به خوانندگان تحمیل می‌کند.

**ب: اسم‌سازی<sup>۱</sup> / فعل‌سازی<sup>۲</sup>:** اسم‌سازی، ساختاری کوتاه شده است که در آن زمان و عامل وجود ندارد و در نتیجه تأکیدش کمتر از جمله است (فرحزاد، ۲۰۰۹). به لحاظ نحوی، افعال به جای انتقال مفاهیم انتزاعی، تمایل به انتقال مفاهیم، کارکردها یا فرایندهای عینی دارند و همین‌گرایش اسم‌سازی برای تغییر دیدگاه خواننده کافی است. به این ترتیب، عامل و کننده کار ناشناخته باقی می‌ماند و نویسنده و یا مترجم می‌تواند زمان و شیوه انجام عمل (یعنی بخش‌های اصلی جمله و یا فعل) را پنهان سازد. در اینجا به برخی از این موارد اشاره شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۲، ۷۶، ۸۳):

5. I know you didn't leave me because you doubted.

می‌دونم رفتنت از روی بی‌اعتقادی نبود.

<sup>1</sup> nominalization

<sup>2</sup> verbalization

6. First you borrow. اول قرضه.  
7. As he rowed. پارو کشان  
8. Until you make the soul. تا خود ساحل

همان طور که مثال‌ها نشان می‌دهند، اسم‌سازی که نوعی انتقال اختیاری است، عامل را ناشناس باقی گذاشته و مفهوم ایدئولوژیک دارد. اما عکس این قضیه نیز صدق می‌کند و آن هم هنگامی است که یک اسم جهت تغییر دیدگاه خواننده نسبت به یک رویداد، به ساختاری فعلی در متن مقصد بدل می‌شود. این گونه فعل‌سازی را می‌توان در این موارد یافت (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۴):

9. It carried me no loss of true pride.  
از همت راستین مرد نمی‌کاهد.  
10. He looked around for the bird.  
به اطراف نگاه کرد تا پرنده را ببیند.

در ترجمه متن نام‌برده، مترجم، جهت حذف عوامل اجتماعی در گفتمان، رویکرد اسم‌سازی را برگزیده است (او به این طریق، به‌لحاظ ساختاری، گرایش مجهول ← معلوم را در ترجمه‌اش تعدیل می‌کند).

**ج: حذف<sup>۱</sup> / افزایش<sup>۲</sup>:** بر خلاف مبتداسازی، که نوعی برجسته‌سازی در سطح جمله است، حذف نوعی پنهان‌سازی صریح است. در این رویکرد، مطالب به‌طور کامل از متن حذف می‌شوند. حذف در واقع بارزترین نوع متن‌سازی است چرا که اگر نویسنده به مطلبی اشاره نکند، آن مطلب در ذهن خواننده جای نخواهد گرفت و در معرض موشکافی وی قرار نمی‌گیرد (هاکین، ۱۹۹۷: ۴). حذف یکی از صورت‌های دستکاری در سطح جمله است. یکی از انواع حذف که به‌لحاظ ایدئولوژیک در خور توجه است، حذف عامل

<sup>1</sup> omission

<sup>2</sup> addition

است که اغلب در فرایند اسم‌سازی و استفاده از افعال مجهول (که در بخش‌های قبلی ذکر شد) رخ می‌دهد.

در مقابل، افزایش، نوعی برجسته‌سازی است که مربوط به برجستگی متنی است که با تأکید نویسنده بر مفاهیم خاص حاصل می‌شود (هاکین، ۱۹۹۷: ۴). برخی از نمونه‌های افزایش و حذف (به‌خصوص حذف عامل) در جدول ۴ نشان داده شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۲۴):

**جدول ۴:** کلمات افزوده‌شده و حذف‌شده (به‌ویژه حذف عامل) توسط مترجم

| حذف  | افزایش  |
|--|---|
| you didn't steal (them)<br>یه وقت نذردیده باشی   | the whole boot shiver<br>تمام قایق زیر پایم می‌لرزید  |
| he always went down (to help him) carry either the coiled ...<br>همیشه می‌رفت چنبر ریسمان یا بنتوک و ... را برای پیرمرد به دوش می‌کشید | a bird working ...<br>یک پرنده داره بالای سر صید چرخ می‌زنه<br>between fishermen<br>صیادا با هم رودرواسی ندارند |
| (God) let him jump.<br>بذار بپره   | in a procession<br>پیشاپیش دسته عزاداران  |
| (true) brothers<br>برادران   |   |
| his (right) hand<br>دستش   |   |

حذف واژه «خداوند» و افزودن واژه‌های مثل «عزاداران» در متن مقصد، به لحاظ مذهبی و اعتقادی دارای بار ایدئولوژیک می‌باشد. به علاوه، بسیاری از حذف‌های صورت گرفته در ترجمه، حذف صفت و همچنین حذف افعال وجهی است (حذف افعال وجهی در ادامه توضیح داده خواهد شد).

**د:** کاربرد افعال وجهی (فعل وجهی‌سازی)<sup>۱</sup> / عوامل وجه‌نما (مدالیتته)<sup>۲</sup>: یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان که در تحلیل انتقادی مورد توجه است، مبحث افعال وجهی می‌باشد که اشاره به لحن اظهارات و درجه قطعیت و اقتدار آن دارد.

<sup>۱</sup> modalization

<sup>۲</sup> modality

منظور از فعل وجهی سازی، فراوانی افعال وجهی در متن مبدأ و مقصد، و نیز معادل پویای مرتبط با ترجمه این افعال در متن مقصد است. پس از تجزیه و تحلیل متن مبدأ و متن مقصد، نتیجه به دست آمده این بود که تعداد افعال وجهی مورد استفاده در متن ترجمه نه تنها کمتر از افعال وجهی مورد استفاده در متن مبدأ بوده بلکه گاهی اوقات این افعال با ارزش برابری ترجمه نشده‌اند، که این به نوبه خود می‌تواند اثرات متفاوتی را در خواننده فارسی زبان با زمینه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک مختلف به وجود آورد (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۶، ۸۲، ۱۲۲):

11. We can do that. فکر بدی نیست.
12. Yankees cannot lose. یانکیا بازنده نیستن.
13. It could not happen twice. اتفاق یه بار می‌افته.
14. It is what a man must do. کار مرد همینه.
15. You must keep your hand. حواست را جمع نگه دار.

به‌عنوان مثال، فعل وجهی «must» که در متن مبدأ به کار رفته، دارای مفاهیم «تعهد» و «اطمینان» می‌باشد. به عبارت دیگر، این فعل در متن مبدأ دارای ارزش رابطه‌ای و بیانی است، حال آن که در ترجمه این افعال، هم‌پوشانی و ارزش یکسانی در متن مبدأ و مقصد وجود ندارد.

هالیدی از قیدها و افعال وجهی و نیز واژگان ارزشی به‌عنوان عوامل وجه‌نما یاد می‌کند (ماندی، ۲۰۰۱: ۹۱). فرحزاد مدالیته را معادل با سه حالت (خبری، سئوالی و امری) می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که هر نوع تغییر در افعال وجهی در متن ترجمه ممکن است ایدئولوژیک باشد (فرحزاد، ۲۰۰۹: ۴۶). در نمونه‌های ۱۶ تا ۲۰، برخی از تغییرات در ترجمه، حاصل تغییرات در حالت‌های فوق‌الذکر می‌باشند (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۴، ۷۲):

16. But remember ... مگه یادت نیست؟
17. Why not? The old man said. پیرمرد گفت: «باشه».

18. Your eyes are good. چشمت هم عیبی نکرده.  
19. He had stayed. فرار نکرد.  
20. My legs are all right. پاهایم عیبی ندارد.

### ۵. بحث و تحلیل (با توضیح و تکیه بر ساختارهای کلان هاکین)

همان گونه که پیش تر بدان اشاره کردیم، مشخصه اصلی تجزیه و تحلیل انتقادی گفتمان، استفاده کامل از بافت در تجزیه و تحلیل متون است؛ بنابراین نه تنها باید ساختارهای خرد بلکه ساختارهای کلان و بافت فرهنگی - اجتماعی را نیز مدنظر قرار داد. این امر مستلزم توجه به ژانر، سیاق<sup>۱</sup>، و فریم (قالب متن) (سه مفهوم کلیدی در نظریه هاکین که مرتبط با چینش واژگانی نویسنده است) در تجزیه و تحلیل متن می باشد. اگرچه تأکید این مقاله بر ساختارهای کلان نیست اما از آنجایی که بررسی ساختارهای خرد منوط به شناخت ساختارهای کلان است، این مفاهیم کلیدی جهت نشان دادن تأثیر ایدئولوژی مترجم بر چینش واژگانی وی به طور خلاصه بحث خواهد شد.

ساختارهای کلان، که نایدا آنها را «بافت گفتمانی» می نامد، شامل کل متن و رابطه اش با محیط فرهنگی - اجتماعی است (بر اساس مدل زبان و گفتمان هالیدی).

منظور از ژانر، نوع متن بوده که با یک تابع خاص ارتباطی همراه است (ماندی، ۲۰۰۱: ۹۱). ژانر، بیانگر مجموعه ای مشخص از ویژگی های رسمی با هدفی خاص می باشد. متن مبدأ مورد نظر دارای سبک ادبی بوده و متعلق به نوع متن صورت - محور است. در این نوع متون، مترجم باید یک گام از سطح زبانی فراتر برداشته و به سطح ادبی رود؛ بنابراین لازم است جهت ارائه کارکرد ادبی و زیبایی شناختی اش یک رویکرد قیاس پذیر بیابد. زبان متن صورت - محور را زبان مبدأ و نویسنده آن تعیین می کند (رایس، ۲۰۰۱: ۴۳). نویسنده متن اصلی (همینگوی) با اقتباس از جیمز جویس<sup>۲</sup> و ازرا پوند<sup>۳</sup>، تصاویر طبیعی و نمادگرایی در متن به کار برده است. مترجم نیز برخی از صنایع ادبی را به کار برده که دارای تأثیر زیبایی شناختی یکسانی است اما از آنجایی که به گفته هالیدی (۱۹۷۸)، محیط اجتماعی -

<sup>1</sup> register

<sup>2</sup> James Joyce

<sup>3</sup> Ezra Pound

فرهنگی در نوع ژانر تأثیر می‌گذارد، زبان متن ترجمه مطابق با هنجارها و عرف متن مقصد تعبیه شده (با حفظ تأثیر زیبایی‌شناختی یکسان) و مترجم با معرفی تعبیر آشنا با زبان مقصد و خواننده آن و نیز در چارچوب فرهنگی - اجتماعی بافت آن زبان بر آن است تا اولویت فرهنگی و ایدئولوژیک خود را نسبت به فرهنگ بومی، و نیز «رابطه قدرت» نشان دهد. این رابطه مفهومی کلیدی در نظریه ساختارهای کلان فان‌دیک است (این مقاله قصد پرداختن به جزئیات آن را ندارد) و خود با بافت موقعیتی که دربرگیرنده عوامل فرازبانی است، در ارتباط می‌باشد.

سیاق، اشاره به سطح رسمی و غیررسمی و نیز اصطلاحات تخصصی و موضوع متن دارد (هاکین، ۱۹۹۷: ۶). متن ترجمه مورد نظر، نه تنها مؤلفه‌های سبکی متن مبدأ، بلکه تفاوت بین کاربرد محاوره‌ای و رسمی را مدنظر قرار داده است.

فریم یا قالب متن، اشاره به چگونگی ارائه محتوای متن و نوع دیدگاه نویسنده دارد (هاکین، ۱۹۹۷: ۴). این امر به نوبه خود، برجسته‌سازی، پنهان‌سازی، و حذف را (که پیش از آن در این مقاله شرح داده شد) دربرمی‌گیرد. این مفهوم، به عکس‌ها، آرایش بصری و طرح‌هایی اشاره دارد که استفاده از آن توسط نویسنده به لحاظ ایدئولوژیکی حائز اهمیت است. در ترجمه مورد نظر، هیچ نوع عکس و یا طرحی که بتوان آن را از نقطه نظر ایدئولوژیک توضیح داد، با متن همراه نشده است.

در کل، به رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک و دیدگاه فرهنگی بین نویسنده و مترجم، مترجم تلاش کرده ظرافت‌های زائیده تخیل و ذهن نویسنده را در بافتی دیگر بیافریند و این در حالی است که وی به جهت حفظ غرابت متن هیچ گونه توضیحی برای واژگان بیگانه و مفاهیم ناآشنا ارائه نداده است. شاید مترجم با حفظ برخی عناصر بیگانه به همان شکل، خواهان حفظ ارزش تجربی متن مبدأ بوده است. در اینجا فهرستی از کلمات اسپانیایی، که توسط مترجم در ترجمه بدون هیچ توضیحی استفاده شده، و صرفاً حرف‌نگاری شده‌اند، در جدول ۵ نشان داده شده است (نمونه‌ها از دریابندری، ۱۳۶۳: ۷۱، ۱۳۱۸۷، ۱۰۷):

**جدول ۵:** کلمات اسپانیایی به کاررفته توسط مترجم

|                     |                         |
|---------------------|-------------------------|
| salao               | unlucky                 |
| guano               | Palm tree               |
| bodega              | grocery store/warehouse |
| brisa               | breeze                  |
| calambre            | clamp                   |
| fuegos              | games                   |
| un espuela de hueso | a spur of a bone        |
| el campeon          | the champion            |
| gorado              | golden                  |
| galanos             | shovel-nosed sharks     |
| Saint Peter         | San Pedro               |
| tiburón             | shark                   |
| Que va              | Oh, no!                 |
| agua mala           | bad water               |

**۶. نتیجه‌گیری**

با توجه به عوامل ذکر شده در بالا، می‌توان این گونه استنباط است که تحلیلگر باید به نحوه عملکرد و چگونگی بیان عقاید، و نیز موضع ایدئولوژیکی مترجم توجه کند. در این راستا، تحلیل گفتمان انتقادی (با توجه به مزایای ذکر شده آن)، نه تنها می‌تواند برای مترجم، بلکه برای تحلیلگر در درک مشکلات اجتماعی متأثر شده از ایدئولوژی و رابطه قدرت، سودمند واقع شود و نیز دیدگاه تحلیلی گسترده‌تری برای تحلیلگر، و بینش عمیق‌تری برای مترجم نسبت به سایر روش‌ها فراهم سازد. این امر به دلیل تفاوت‌های موجود بین گفتمان انتقادی و دیگر تحلیل‌های گفتمانی است، که تحلیل اول علاوه بر صحنه گذاشتن بر تمام موارد فوق‌الذکر، سازنده، مشکل‌گشا، و نیز رویکردی میان‌رشته‌ای است. از این رو، این تحلیل صرفاً خود را محدود به بررسی یک واحد زبانی نکرده بلکه به مطالعه پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌ای می‌پردازد که نیاز به یک رویکرد چندرشته‌ای و چندروشه دارند (وداک و مایر، ۲۰۰۹: ۲). این چارچوب به تحلیلگر درک و بینشی کلی نسبت به فرایند شناختی درک معنا در تفسیر و تولید متن داده، و آگاهی آنان را نسبت به چینه زبانی، موضع ایدئولوژیک و فرهنگی و دانش متنی ارتقا می‌بخشد.

مفهوم کلیدی گفتمان انتقادی این است که از آنجایی که کارکردهای ما از دیدگاه‌های کلی ما سرچشمه می‌گیرند، نوشتار و گفتار ما نه تنها فاقد نگرش و ایدئولوژی ما نیست بلکه عملی هدفمند است که ممکن است در جهت کنترل دیدگاه‌ها و کارکردهای اجتماعی به کار گرفته شود. از آنجا که ترجمه، عمل بازنویسی در رابطه با قدرت و ایدئولوژی است، نمی‌توان آن را بدون در نظر گرفتن چارچوب اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در آن، و بدون توجه به نقطه نظر ایدئولوژیک مترجم تجزیه و تحلیل کرد.

با تکیه بر این تحلیل، و بر اساس چارچوب نظری فان دیک و هاکین، در بررسی ترجمه مذکور این نتیجه حاصل شده که مترجم در متن مورد بحث با اقتباس شیوه طبیعی سازی ایدئولوژیک<sup>۱</sup>، بومی سازی، و ترجمه اصطلاحی<sup>۲</sup>، مفهوم مورد نظر و فرهنگ غالب را انتقال داده است حال آن که نویسنده در متن مبدأ که تلفیقی از امپرسیونیسم و رئالیسم است، بدون هیچ گونه دخالتی بر خواننده تسلط می‌یابد. مترجم همچنین برای شفاف سازی در ترجمه، استراتژی‌های غیررسمی و محاوره‌ای را به کار برده است و گاهی برای حفظ بافت معنایی و موقعیتی، غیراصطلاح را به اصطلاح ترجمه کرده است. با این وجود، همان گونه که پیش از این ذکر شد، مترجم با حفظ برخی عناصر بیگانه و عدم استفاده از پانویس، ارزش تجربی متن مبدأ را حفظ کرده است.

## منابع

- دریابندری، نجف (۱۳۶۳). پیرمرد و دریا. تهران: انتشارات خوارزمی.
- شریعتی، علی (۱۳۵۶). ایدئولوژی و تمدن، انسان و اسلام. تهران: نشر بیجا.
- فرح زاد، فرزانه و فرح مدنی گیوی (۱۳۸۸). «ایدئولوژی و ترجمه: مطالعه موردی». *مطالعات ترجمه*. شماره ۲۶. صص ۳۰-۱۱.

Cook, G. (2003). *Applied Linguistics*. Oxford University Press.

<sup>1</sup> ideological naturalization

<sup>2</sup> idiomatic translation



- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Farahzad, F. (2009). "Translation Criticism: A CDA Approach". *Translation Studies*. 6 (24). pp. 39-47.
- Halliday, M. (1978). *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*. London: Edward Arnold.
- Hemingway, E. (1952). *The Old Man and the Sea*. Charles Scribner's Sons.
- Huckin, T. N. (1997). "Critical Discourse Analysis". *Functional Approaches to Written Text*. T. Miller (ed.). English Language Programs. United States Information Agency. Washington D.C. pp. 220-228
- Khaje, Z. & H. Khan Mohammad (2009). "Transmission of Ideology through Translation: A Critical Discourse Analysis of Chomsky's "Media Control" and its Persian Translations". *Electronic Journal of Iranian Journal of Applied Language Studies*. 1(1). pp. 24-42.
- Luke, A. (1997). "Theory and Practice in Critical Science Discourse". *International Encyclopedia of the Sociology of Education*. L. Saha (ed.). Australian National University, ACT, Australia. *Article No. 504057*.
- McGregor, S. (2003). "Critical Science Approach-A Primer". *Kappa Omicron Nu Working Paper Series*.
- Mey, J. (1998). *Concise Encyclopedia of Pragmatics*. Oxford: Elsevier.
- Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies, Theories and Application*. London and New York: Routledge.
- Reiss, K. (2000). *Categories and Criteria for Translation Quality Assessment*. St. Jerome Publishing Manchester, UK.
- Schaffner, C. (1995). *Cultural Function of Translation*. Multilingual Matters Series.
- Threadgold, T. (2003). "Cultural Studies, Critical Theory and Critical Discourse Analysis: Histories, Remembering and Futures". *Linguistik online*. 14. 2/03. London/New York. pp. 1-10.
- Van Dijk, T. A. (1988). *News as Discourse*. Hillside, NJ: Erlbaum.
- \_\_\_\_\_ (1993). "Discourse, Power and Access". *Studies in Critical Discourse Analysis*. C. R. Caldas (ed.). London: Routledge. pp. 350-358.

- \_\_\_\_\_ (1999). "Critical Discourse Analysis and Conversation Analysis". *Discourse and Society*. 10 (4). pp. 459-470.
- Widdoson, H. G. (1995). "Discourse Analysis: A Critical View". *Language & Literature*. 4 (3). pp.157-172.
- Wodac, R. & M. Meyer (2009). "Critical Discourse Analysis: History, Agenda, Theory and Methodology". *Methods for Critical Discourse Analysis*. Sage (2nd Revised Edition), London. pp. 1-33.
- Zotzmann, K. (2007). A Critical Discourse Analysis of the Academic Field of Intercultural Business Communication. PhD Thesis. Lancaster University.

## **The Semiotic-Cultural Analysis and the Ideological Changes in Translation<sup>1</sup>**

Anahita Amirshojai<sup>2</sup>  
Mohammad Hossein Ghoreishi<sup>3</sup>

Received: 2013/02/06  
Accepted: 2014/02/15

### **Abstract**

This paper makes an effort to explain the significance of Critical Discourse Analysis (CDA) in translation to show how CDA can be used to indicate the ideological deviation during a translation process. Based on some possible reasons behind translation distortion that occurs when language is transferred from source text (ST) to target text (TT), it attempts to elucidate the relation of discourse and social structures. In this regard, after defining the key concepts, it goes forward to explain some of the privileges of CDA over the other discourse analyses (structuralism & functionalism). Since power and

---

(DOI): 10.22051/JLR.2016.2317

<sup>2</sup> Lecturer, Faculty Member of the Higher Education Complex of Bam (corresponding author); [amirshojaiana@bam.ac.ir](mailto:amirshojaiana@bam.ac.ir)

<sup>3</sup> Assistant Professor, The Faculty Member of University of Birjand; [Smhghoreishi@birjand.ac.ir](mailto:Smhghoreishi@birjand.ac.ir)

ideology can be regarded as common concepts in translation and CDA, they have been elaborated. Having introduced some prominent Critical Discourse Analysts, it draws upon Van Dijk and Huckin Theory to show the cultural and ideological transmission in the process of the literary translation of *The Old Man and the Sea*. Finally based on the above-mentioned framework, it concludes that CDA can help both analysts and translators understand social and cultural problems during the process of translation, so it is indispensable for interpreting, describing, and analyzing, social and cultural changes in a text. This analysis in the process of the mentioned translation allows writers to conclude that the translator has tried to convey the dominant ideology, by adopting domestication, ideological naturalization, and idiomatic translation.

**Keywords:** *Critical Discourse Analysis, cultural transmission, culture, ideology, social structure, translation, Van Dijk & Huckin Theory*